

فرخی یزدی ، شاعر لب‌دوخته

۱۷ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۸:۲۶

با شروع مشروطیت و پیدایش حزب دموکرات ایران، فرخی به عضویت شاخه یزد این حزب درآمد. او اواخر سال ۱۳۲۸ هجری قمری به تهران آمد و نشریات آن موقع را فضای موثری برای انتشار اشعار آبدار و تند و تیزش کرد.

میرزاحمد، متخلص به فرخی سال ۱۳۰۶ هجری قمری در یزد متولد شد. پس از شروع تحصیل در اواخر تحصیلات مقدماتی در مدرسه مرسلین یزد به علت روح آزادیخواهی و اشعار تند و تیزی که علیه اولیای مدرسه می‌سرود، از مدرسه اخراج شد. فرخی تا ۱۶ سالگی درس خواند و پس از اخراج از مدرسه به کارگری پرداخت. مدتی پارچه‌بافی کرد و بعد نانوا شد و کنار تمام فعالیت‌هایش با ذوق و قریح‌های که داشت اشعاری بکر با مضامینی که تا آن وقت بی‌سابقه بود، می‌سرود. با شروع مشروطیت و پیدایش حزب دموکرات ایران، فرخی به عضویت شاخه یزد این حزب درآمد. او اواخر سال ۱۳۲۸ هجری قمری به تهران آمد و نشریات آن موقع را فضای موثری برای انتشار اشعار آبدار و تند و تیزش کرد. مطلع یکی از شعرها این بود:

دوش ایران را به هنگام سحر دیدم به خواب

وه چه ایرانی سراسر چون دل عاشق خراب

روح آزادیخواهی در اشعار فرخی موج می‌زد و همین امر موجب توجه فضای عمومی و مردم آن زمان به وی شد. فرخی در اواخر جنگ جهانی اول به بین‌النهرین مهاجرت کرد که مورد تعقیب انگلیسی‌ها قرار گرفت. در این تعقیب‌ها به بغداد، کربلا و موصل رفت و سپس به ایران مراجعت کرد.

در تهران هدف حمله تروریست‌های قفقازی قرار گرفت که با خوش‌شانسی گلوله‌های شلیک شده به وی اصابت نکرد. در دوره نخست‌وزیری وثوق‌الدوله با قرارداد ۱۹۱۹ چنان مخالفت کرد که مدتها در زندان نمره ۱ شهربانی تهران حبس شد. همچنین بار دیگر برای سه ماه در دوره کودتای ۱۲۹۹ شمسی در باغ سردار اعتماد حبس شد. فرخی اواخر سال ۱۳۰۰ شمسی روزنامه طوفان را انتشار داد و در آن شعری در شرح مظالم و فجایع ضیغم‌الدوله قشقایی، حاکم یزد سرود و به دستور وی در زندان دهانش را دوختند و به شاعر لب‌دوخته معروف شد. فرخی بعد از سال‌ها مبارزه و به زندان رفتن‌ها، ۲۵ مهر ۱۳۱۸ در زندان به دست پزشک احمدی با تزریق آمپول هوا به قتل رسید.

ابیات زیر نمونه هایی از اشعار فرخی یزدی است :

قوام السلطنه

محو شد ایران ز اقدام قوام السلطنه

محو بادا در جهان نام قوام السلطنه

مذهبش کافرپرستی، دینش آزادی کشی

ای دریغ از دین و اسلام قوام السلطنه

گشته بیت المال ملت بهر مشتی مفتخور

مخزن الطاف و انعام قوام السلطنه

روز و شب آباد شد بغداد جمعی کاسه لیس

همچو اهل کوفه از شام قوام السلطنه

خامه تقدیر، نام اکثریت را نوشت

طایران بسته در دام قوام السلطنه

دوخت تشریف خیانت گوئیا خیاط صنع

از برای زیب اندام قوام السلطنه

بر فراز مرز و بوم ما زند فال فنا

چند رباعی

امروز اگر خطا سرا پا نکنی

از دست وکیل ناله فردا نکنی

رای تو قباله است آن را ای دوست

هشدار، برای دشمن امضا نکنی

آن دسته که در نزد تو پیشند همه

با حرف رفیق نوش و نیشند همه

آید چو میان پای عمل می دانند

یکسر پی جلب نفع خویشند همه

ای جعبه مرا گوهر مقصود تویی

اسباب زیان و مایه سود تویی

هر منتظرالوکاله را ای صندوق

تا رای میان توست معبود تویی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۶۰۰/ه-دوخت-لب-اعر-ش-پزدي-فرخيا/>